



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۰/۱۰

داکتر صلاح الدین سعیدی

برنامه های آی اس آی در حال اجرا

امریکا بعد از ارتکاب جنایات سال 2001 علیه وی، تقریباً چیزی کم یک دهه سیاست انتقام (روانچ) و رسیدن به اهداف خود از لوله تفنگ، انفجار و بمبارد استفاده و پیشه کرد. در اخیر حاکمیت بوش جوان (بوش پسر) متوجه شد که این سیاست در افغانستان کارایی لازم ندارد. امریکا همچنان متوجه شد که پاکستان در احمق سازی امریکا و جامعه جهانی با ضربه زدن به افغانستان هرچه توانست جیب جنرالان خویش را پُر کرد. ترور و دهشت آفرید، تمویل کمک لوژیستیکی و استخباراتی کرد و نیروهای ملیشه و سربازان غیر ملبس خود را برای نابودی افغانستان، در عرصه های مادی و معنوی به کار برد که اقرار خود رهبران نظامی و سیاسی این کشور در مورد اندکترین شک و تردید را باقی نمی گذارد. پاکستان این اعمال را حین جنگ سرد ظاهراً در تیبانی با جهان و امریکا انجام داد و در پهلوی اهداف جامعه جهانی به صورت متوازی اهداف افغان دشمن و افغانستان دشمن را به پیش برد. بعد از اینکه کمونیزم شکست داده شد و قربانی دست اول آن مردم مابود، دیگر جهان به ترور و دهشت در افغانستان علاقمند نبود. اما پاکستان به تمام اهداف و برنامه های هژمونی منطقوی نه رسیده بود و سرحدات خود را در داخل افغانستان نه ساخته بود. ادارات مستقل استخباراتی پاکستان در موارد جدا از حکومت ملکی در موارد بهتر ترور و دهشت را پرچون فروشی کردند و تجارت خود را کما کان گرم نگه داشتند. در موارد تجارت عمده فروشی که از دست شان خارج شده بود و مثلاً گاو شیری را در ایبیت آباد پاکستان در عملیات مستقیم امریکاء در هشت صد متری مکتب عالی نظامی پاکستان از دست دادند، که این حالت برای پاکستان بس سخت تمام شد.

امریکا عملاً در دهه اخیر فهمید که سیاست انتقام و روانچ در افغانستان خطاء و سیاست پاکستانی اش در افغانستان نیز ناکام است لذا به عدول از آن سیاست انتقام جویی خلاف خواست پاکستان رفت. برای افغانسان اردو و قوای امنیتی افغان ساخت و سرمایه گذاری کرد که این سخت موجب تشویش و مخالفت پاکستان و حتی ایران مواجه شد. روسها و چینایی ها هم از این کار چندان روی خوشی نداشتند ولی این سیاست های امریکا در پهلوی سایر دلایل خورد و بزرگ، عمدتاً به اساس بازی های دوگانه پاکستان نیز در حال ناکام شدن است.

در موارد مشخص محسوس بود که ناتو و بقیه کشور های جهان در افغانستان برنامه و علاقمندی خاص نداشتند. برنامه های این کشورها اکثر برای خوش ساختن امریکا محسوس میشد و بود. حال که امریکاء تحت فشار داخلی و خارجی و مصارف طولانی مجبور به برآمدن از افغانستان شده است و جانب امریکایی به اساس اقرار خود شان خسته از جنگ افغانستان است و حتی اظهار داشتند که ما بدون اجازه کس به افغانستان آمده بودیم و بدون اجازه بازگشته هم میتوانیم. این اظهارات عملاً پشت پای زدن به تمام تعهدات، قرار دادها و میثاقهای طرفین و جهانی بود که شایسته ابر قدرت چون امریکا نیست. این حالت و این روش سبب تأثیرات مستقیم و جانبی گشونده برای امریکا و سبب ادامه تراژیدی ملت افغان و مردم مظلوم منطقه است و خواهد شد.

این سیاست و خروج تا سه ماه امریکا از افغانستان که اخیراً آقای ترامپ اعلام داشت و لو در لفظ و برای انتخابات ریاست جمهوری باشد، بس مضر و راه بسیاری بطنی طی شده بیست سال گذشته به صفر ضرب کردن میبرد. رها کردن افغانستان با به حرکت آوردن برف کوچ خطرناک در افغانستان و بدون تضمین عدم مداخله ملیشه های پنجابی و ایرانی در افغانستان، سبب خواهد شد که ملت افغان در برابر شرارت و مداخله دیگران تنها گذاشته شده و ملت افغان در خط مقدم جبههء ضد ترور و پنجاب تنها و با قربانی بیشتر بماند و افراد متزلزل دیگر هم متزلزل شده و نهاد های موجود حاکمیت خاصتاً امنیتی از هم بپاشند. این حالت و این روش امریکا بنابر دلایل اخلاقی و در خلاف

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

توافقات دوجانبه امریکا و افغانستان خواهد بود و است. کشورهای دیگر جهان به شمول ناتو نیز از مسؤلیتهای خویش با اعلامیه های مشابه دارند شانه خالی میکنند و اظهارات ضد و نقیض دارند. تمام شواهد نشان میدهد که ملت افغان با قربانی بیشتر ازین آزمون بزرگ و با قربانی بیشتر موفقانه بدر خواهد آمد و بر اهریمن ترور، دهشت و پنجاب پیروز خواهد شد.

ضرورت اشد و جدی است که این حقایق و منطق سخن را عام ساخت و ملت را هرچه بیشتر بیدار و از لحاظ فکری بسیج نمود که در چه حالت قرار داریم و چه وجایب در پیش مآقرار دارند. اگر امریکا از تعهدات خویش در برابر ملت افغان بنابر محاسبات غلط پاکستانی و فریب خورده های آن عقب نشینی کند و سرنوشت ملت افغان را در عمل به پنجاب بسپارد، که تمام شواهد چنین نشان میدهد، این ملت مقاومت خواهد کرد و به پنجاب و شرارت جواب رد داد و برای شان نه خواهد گفت. با ادامه سیاست موجود روان در قطر نتایج بالاتر منفی برای افغانستان و امریکا خواهد داشت و این را زمان نیز ثابت خواهد کرد.

یکبار دیگر امریکا و جهان باید بداند که با سرازیر شدن این برف کوچ که عمدتاً خود عامل آن در نتیجه سیاستهای اخیر امریکا درمورد افغانستان، عملاً سیاستهای تسلیمی افغانستان به پنجاب است. مسلم که با چنین سیاست امریکا هم دارد در نزد مردم جهان و افغانستان بی اعتبار شده و در دوستی و اجرای تعهدات، در قبال افغانستان و منطقه شخصیت و اعتبار لازم خود از دست خواهد داد. امریکا همانگونه که در عراق و سوریه سرباز محلی و پیاده برای جنگ در زمین نداشت، و حتی گردها را هم بنابر سیاستهای خطاء از دست داد و در آنجا ناکام شد، عین سناریو دارد در افغانستان برای امریکا تکرار میشود، چیزیکه جناب خلیزاد نیز از آن یاد آوردی میکند. به این ترتیب آنده از افغانهاییکه در مورد به امریکا در عالم اسباب به حیث قوت دنیوی میدیدند و روابط حسنه داشتند، دارند که از معتمد بودن امریکا با شک و تردید نگاه کرده و با امریکا اعتماد دوستی شان را از دست خواهند داد. این تعداد کوچک هم از همکاری به امریکا در افغانستان و منطقه دست خواهند برداشت و این سبب طولانی شدن تراژیدی ملت افغان شده و به شکست مقتض امریکا در منطقه خواهد انجامید. لذا تا دیر نه شده مانع اجرای چنین سیاست های خام و عاقبت نا اندیشه امریکا که ظاهراً از دوحه و قطر عملی میشود، شد که در عمل همچنان نه گذاشت تا مرجع مشروعیت ملت افغان نیز دور زده شود. باید تا دیر نه شده، به افشاء گری های وسیع دست زد.

قابل تذکر است که عده از تاجران سیاسی به نام شوراهای مهاجران افغان در خارج از کشور، بخاطر رسیدن به لقمه ازین لجنزار، معامله خاینانه و در مورد ملت و در غیاب ملت به فریب و دوقه عده از افغانهای صادق پرداخته و در تطبیق برنامه دور زدن ملت افغان عوض مذاکره سیاسی را با مناظره مغالطه کرده و عوض ملت تصمیم بر ارزشها گرفتن را زمینه شده و قرار تمام شواهد معامله خاینانه دارند.

ملت را نباید دور زد و این فهم از مصالحه سیاسی به اعمال شاه شجاعی و خیانت به منافع ملی خواهد انجامید. مذاکرات سیاسی و مصالحه باید بر آتش بس و بر تصمیم گیرنده شدن ملت تمرکز داشته باشد. اما بلی دارند که در دوحه و قطر دارند که در غیاب ملت بر ارزشها تصمیم میگیرند. ارزشهایکه، انتخاب مشروعیت تطبیق آن حق کل ملت است. درست و مشروع نیست اگر با جور آمد طالب، جی اچ کیو، امریکا و قسماً حکومت افغانی این مشروعیت خلاصه شده و ملت افغان ضمنی ساخته شده و عملاً دور زده شود. عوض ملت افغان بر ارزشها در خارج تصمیم گرفتن خطاء بود و خطاء است. تلاش برای ماستمالی بعدی به نامه لویه جرگه ها که بدون لویه جرگه قانون اساسی با تعریف مشخص شده باشد، سخت بریننده است و قابل اعتبار نمی باشد. این فریب و خدعه سبب فریب سطحی نگران کننده در افغانستان و عده در جهان شده میتواند ولی به هیچ صورت خاک به چشم ملت افغان انداخته نمی تواند و نه خواهد توانست.

لذا تا دیر نه شده امور باید به چوکات اصلی بیافتد و در چوکات مذاکرات سیاسی دست از مناظره و دادن مشروعیت به ارزشها در یک معامله و غیاب ملت شود، دست بردارشد.

مصالحه سیاسی به مفهوم درست کلمه ضرورت است اما به مفهوم دور زدن ملت و فریب که مظاهر آن همین حالا محسوس است قابل قبول نیست و باید مانع آن شد.

اما برای تکمیل قسمی بحث:

اکثریت قاطع مردم افغانستان مسلمان اند و مسأله سنی، شیعه و بقیه ادیان در کشور های اسلام تنظیم شده و در زمینه به اختراع خاص ضرورت نیست.

اما تطبیق مسایل حدود و تعزیرات در جامعه اسلامی که ظاهراً طالب آنرا به نام اسلام سوچه شعار میدهد برای مسلمان مشکل ندارد. اما مشکل در فهم و تطبیق مسأله است. ملت افغان و جهان در صورت تطبیق پیگیر اسلام در مسایل جزایی نیز نباید تشویش داشته باشد و ندارد.

مثال می آورم: تطبیق عدالت و مسایل جزایی باید توسط هیئات قضایی حد اقل سه نفری، مسلکی، منسلک به انسلاک قضایی توسط شخص اول کشور، و با تطبیق کامل قانون قبلاً تنظیم شده صورت گیرد. جزا های حدودی در اسلام اکثر وظیفه انظار، تخویف تربیت، عدالت، حق، و ... را پوره میکنند و جزاء های حدودی با ورود شبهه ساقط میگردد (الحدود تسقط بالشبهات). مثلاً در مسأله زنا مسلمان در صدر اسلام داخل اطاق شد و بخاطر تزکیه اقرار کرد که زنا کرده، از اطاق کشیده شد و برایش گفته شد که (ایک ابق) برو تو دیوانه شده ای؟ دفعه دوم و سوم. به این ترتیب شارع در تطبیق جزاء عجله ندارد. و در قسمت اثبات زنا باید شاهدان عاقل، بالغ و مسلمان چنان تشریح و توصیف کنند مانند اینکه چوب سرمه دانی از محل داخل و خارج میشود. این مختصرات تلگرافی در احادیث صحیح با تفصیل آمده اند. لذا تطبیق رجم و حد رانمی توان با تطبیق آخوند و ملا نما های بی سواد موجود محاکم به نام طالب و مشابه آن عملی کرد و این تخلفات صریح از اسلام را نمی توان تطبیق سوچه دین اسلام خواند.

امور اسلامی، حدود و تعزیرات و قوانین در کشور های اسلامی و استفاده از تجارب نیک با اساس قرار دادن درست کتاب الله و سنت رسول الله برای هیچ مسلمان مشکل ندارد و این فهم را با فهم غلط موجود در موارد زیاد که به نام طالب تطبیق شده و اکثر فهم آخوندی است مغالطه کرد. در سایر عرصه های قوانین اسلامی فهم درست از آن با تحریفات و انحرافات مزخرف تفاوت دارد که در آن میتوان راه درست و واقعی را انتخاب و عدالت درست را در جامعه تطبیق کرد.

و ما علینا الا البلاغ المبین
داکتر صلاح الدین سعیدی
2020/10/9
00447886474638